

فناوری در زبان امروز

(جستاری در تأثیر تکنولوژی بر شعر احمد عزیزی)

دکتر مریم شعبانزاده*

چکیده

امروزه علوم و فنون با شتابی روزافزون همه جنبه‌های زندگی بشر را درنوردیده است. این دگرگونی بر نحوه تفکر انسان‌ها نیز تأثیر گذاشته و با تغییر تلقی افراد نسبت به پدیده‌های پیرامونی، مکالمات و گفتگوها نیز تغییر یافته است. همراه با پیشرفت تکنولوژی، گذشته از آن که واژگان فراوانی وارد زبان فارسی شده و ترکیبات و تعبیرات جدید برای استفاده و کارکرد این علوم و فنون ساخته شده است، بسیاری از معانی و مفاهیم نیز دگرگون گشته است. به طوری که زبان امروز با سرعت بیشتری تغییر می‌یابد. هدف غایی این مقاله بررسی ساخت این زبان، که آن را زبان امروز می‌خوانیم، با استفاده از پیکره واژگانی اشعار احمد عزیزی است و طی آن شیوه‌های ساخت واژگان جدید و تغییر معنای واژگان گذشته بررسی می‌گردد. در این مقاله سؤال اساسی تحقیق این است که نحوه مرادف انسان امروزی با ماشین چگونه در زبان او تأثیر گذاشته است و فرضیه تحقیق نیز بر این اساس شکل گرفته است که ماشین و فناوری بر زبان احمد عزیزی مؤثر بوده است. لذا پس از معرفی برخی واژگان مرتبط با فناوری نوین مانند خودرو، تلفن و مظاهر زندگی شهری که احمد عزیزی برای بیان مفاهیم زندگی ماشینی امروز در شعر خود به کار داشته است، در جستجوی میزان تأثیر پذیری شعر عزیزی از فناوری امروز بوده‌ایم.

واژه‌های کلیدی

کنایه، استعاره، ماشین‌نیزم، احمد عزیزی.

مقدمه

تکنولوژی و ماشینیزم در بخش عظیمی از زندگی انسان امروز بخصوص جوانان، حضوری پر رنگ یافته است. امروزه دیگر با صدای خروس از خواب بیدار شدن، بوی دود و نان داغ از تنور شنیدن، چهچه بلبل از باغ شنیدن، استشمام نسیم عطرآگین در کوچه باغ، آب تنی در جوی و نهر و... جای خود را به صدای گوش خراش زنگ ساعت، امواج صوتی مصنوعی، بوی دود و گازهای شهری، عطرها و شیمیایی و استخرهای لبریز از مواد ضدعقونی کننده داده است. آنها به رؤیای گذشته پیوسته و به یک نوستالژی شیرین بدل شده است.

ماشین و غلبه آن بر زندگی انسان در دهه‌های اخیر در بسیاری از محاورات روزمره ما نیز دخیل شده است، به طوری که گویا زبانی با واژگان و تعبیری نو در میان مردم تکلم می‌شود. این زبان نو بخصوص نزد جوانان رواج یافته و سرشار از استعارات و کنایات نو و حتی واژگان برساخته و نیز واژگان تغییر معنا داده است. این واژگان در ابتدا در متون نظم و نثر طنز به کار رفت و بعدها حتی در برخی متون جدی معاصر، نیز راه یافت. اگرچه این زبان برای نسل گذشته ناآشنا و غریب می‌نماید؛ ولی امروزه در رسانه‌های جمعی و سینما، بخصوص فیلم‌های عامه پسند، فراگیر شده و با آن تکلم می‌شود. شاعران از این جهت که زبان مردم زمانه خویشند و زبان ابزار آنها برای بیان هنری محسوب می‌گردد، می‌توانند نقش مؤثری در این سمت‌گیری داشته و به آن مشروعیت بخشند.

این زبان، هر چند با بی‌مهری استادان پیشکسوت زبان فارسی مواجه شده و آن را تابو شمرده، با هزار اما و اگر به آن نظر می‌کنند، بی‌تردید با راه یافتن به محاوره و شعر، رفته رفته به نثر و زبان رسمی هم راه خواهد یافت. همچنانکه امروز در زبان برخی شاعران و در بسیاری از متون امروزی نثر و رسانه‌های تصویری که با استفاده از ساختار شکنی در پی جلب بیشتر مخاطب هستند، مشاهده می‌شود. نمی‌توان چشم‌ها را بست و حقایق را هر چند ناخوشایند باشد، نادیده گرفت. باید این حرکت را شناخت و برای کنترل و پیشگیری از عواقب خوش یا ناخوش احتمالی آن چاره‌ای اندیشید. لذا لزوم بررسی همه جانبه این زبان بر کسی پوشیده نیست.

پژوهش‌های سبک‌شناسی مربوط به زبان در سه سطح واژگانی، آوایی و نحوی انجام می‌پذیرد. در این مقال از بررسی سطح موسیقایی و نحوی آن چشم پوشی شده به زبان‌شناسان و پژوهشگران دستور واگذار می‌گردد. از آنجا که آرایه‌های ادبی مانند مجاز، استعاره و کنایه با ایجاد ترکیبات در خلق مفهوم تازه در زبان نقش مهمی ایفا می‌کنند، به آنها توجه شده است. این پژوهش توصیفی است و این مختصر در پی دلیل انتخاب این زبان از طرف کاربران نیست.

در این مقاله حوزه شواهد را از اشعار احمد عزیزی برگزیده‌ایم. انتخاب اشعار این شاعر گذشته از یادکرد این شاعر بیمار و ادای دین به او، به دلیل سبک خاص و نو وی در رویکرد جسورانه برای استفاده از الفاظ محاوره و امروزی؛ بخصوص واژگان مربوط به زندگی شهری در شعر عرفانی نیز هست. توانایی احمد عزیزی در انتخاب واژگان و القای عاطفه چشمگیر است. «واج‌ها در شعر عزیزی از پیوند و هماهنگی خاصی برخوردارند و این در نوع خود شگردی زبانی به شمار می‌رود؛ آنها دارای نوعی وحدت درونی و یکپارچگی تصویری - زبانی‌اند و هماهنگی کامل با موضوع دارند. این هماهنگی به صورت‌های مختلف در شعر ظاهر شده است. از جمله همخوانی ساخت-معنایی و همخوانی آوا-معنایی که عزیزی به واسطه عمق و گسترشی که به آنها داده، وسعت معنایی و تصویری آنها را نیز غنا بخشیده است» (آقاحسینی و زارع، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

بیا فکری برای طول ره کن به «کیلومتر» عمر خود نگه کن

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۱۲۹)

تناسب معنایی بین راه و کیلومتر هماهنگی در معنا به وجود آورده است. در شعر زیر نیز ارتباط موسیقایی هو و آهو شایان توجه است.

رد «هو» را در آن آهو ببینید خدا پوشان حیرت رو ببینید

(همان، ۱۳۷۲: ۱۱)

فرضیه این پژوهش بر این مبنا نهاده شده است که زبان شعر احمد عزیزی بر اساس واژگان متأثر از تکنولوژی شکل گرفته است و نحوه عملکرد او با برای واژه سازی و مقابله با فناوری بررسی می‌گردد.

در این پژوهش ضمن معرفی استعاره‌ها و کنایاتی که بر اساس واژگان مربوط به فناوری نوین ساخته شده است، به بررسی و تحلیل استعارات و کنایات مربوط به خودرو، کامپیوتر، تلفن و مظاهر زندگی شهری و... که احمد عزیزی در شعر خود بیان کرده است، خواهیم پرداخت و مشخص می‌نماییم که مرادۀ انسان با ماشین در شعر او چگونه نمود یافته است.

زبان امروز در شعر احمد عزیزی

احمد عزیزی با جسارت قابل ملاحظه‌ای بسیاری از واژگان زبان امروز را برای بیان مضامین عرفانی که خود جای تأمل بسیار دارد، به کار برده است. در شعر او مضامین متعددی نظیر زندگی فلاکت بار در کلان شهری چون تهران و تباهی‌هایش، نظام آموزش و پرورش، تسلط فناوری بر زندگی، اقتصاد، و... هرچه انسان امروز با آن دست به گریبان است حضور دارد. برای برخی از آنها شواهدی ارائه می‌گردد:

شهرنشینی و تکنولوژی: شهر با همه جلوه‌ها و تباهی‌هایش در شعر عرفانی احمد عزیزی دیده می‌شود:

بیا با من که غیر از ما کسی نیست صدا کن «تاکسی» را تا کسی نیست

(همان، ۱۳۷۲: ۴)

ایستگاه شرک مسجد می شود دین انسان «خط واحد» می شود

(همان، ۱۳۶۹: ۲۵۸)

با «اتوبان» هایی از سرب سیاه با تب کمرنگی از هذیان ماه

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۳)

بوی آزارنده بازار بورس بوی بنزین در «مسیر کورس کورس»

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۳)

رو به سوی شهر اندوهم مکش دست «سیمانی» بر اندوهم مکش

(همان، ۱۳۶۹: ۴۴۳)

نوستالژی مدرسه: یادکرد مدرسه و خاطرات خوب و بد کودکی و حضور در مدرسه و نظام آموزش و پرورش متأثر از غرب و زندگی شهروندی امروز، از نشانه های زبان امروز است:

تنبلی کردی ولی در امتحان تا شدی «تجدیدی» آخر زمان

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۳۱۲)

ما همه «تجدیدی شهریور» یم ما پر از خرداد «ثلث آخر» یم

(همان، ۱۳۶۹: ۵۱۸)

سبک زندگی: زندگی در جامعه امروز ویژگی ها و ضرورت های خود را دارد. شتابندگی ماشین به انسان نیز تسری یافته و او را ناچار کرده است که سبک زندگی خود را متناسب با کار و پیشه خود تغییر دهد. استفاده از غذاهای آماده، عطریات شیمیایی، آلودگی زیست محیطی نمودهای آن هستند. عزیزی بیزاری خود از مظاهر دنیوی امروز را چنین نشان داده است:

بوی «سس» بوی عفونت بوی «لاک» بوی عطر تند «کاپیتان بلاک»

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۱۹۳)

بوی پالان های پولیور شده بوی حیوانات «همبرگر» شده

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۴)

شهر باران مگس از کوه قاف شهر وزوز در فراق «پیف پاف»

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۵)

عصر پیر سخت جانان است این دوره «ماری جوانان» است این

(همان، ۱۳۶۹: ۳۹۵)

دیده ام من شاعران را رنگ زرد زیر پل ها در پی «یک بسته گرد»

(همان، ۱۳۶۹: ۴۰۶)

دو بیت اخیر رویکرد تأسف آور جوانان و شاعران به مواد مخدر، که از آسیب های زندگی مادی و معنویت گریز است، را نشان می دهد.

فناوری: تکنولوژی با نام های کالاها وارد کشور می گردد. معمولاً اهل زبان برای نام های بیگانه معادل هایی مناسب با ساختار زبان خود می سازند. در ایران نیز این اتفاق روی داده است. شیوه های مختلف برابریابی و ترجمه دخیل، نیمه دخیل و...، دستاورد تلاش فارسی زبانان در این زمینه است. ایرانیان از گذشته های دور نام های مصنوعات بشری را بر اساس شباهت بین قطعات ماشین با پدیده های طبیعی ساخته اند. مانند سگدست، آچار کلاغی، آچار خورشیدی و... . احمد عزیزی نیز از واژگانی که اینگونه وارد زبان شده اند بهره برده است که در موضوعات زیر ذکر شده است:

خودرو: یکی از نمادهای تکنولوژی، اتومبیل و چیرگی آن بر زندگی بشر است. عزیزی در شعر «پشت چراغ» انسان را به مثابه خودرویی فرض کرده که در خیابان زندگی به حرکت در آمده است. او توانایی‌ها و ناتوانی‌های انسان را در طی مسیر زندگی با عملکرد قطعات و دستگاه‌های ماشین مقایسه کرده است:

نرفتی سمت زیبای خدایت	«پدالی» از پرستش زیر پایت
(عزیزی، ۱۳۷۲: ۱۲۹)	
بیا فکری برای طول ره کن	به «کیلومتر» عمر خود نگه کن
(همان، ۱۳۷۲: ۱۲۹)	
مکش فیت اینقدر موی فیاتت	که جوش آورده دیگر «رادیاتت»
(همان، ۱۳۷۲: ۱۲۹)	
مشو این عمر فانی را اسیرش	بزن «جک» از دعا دیگر به زیرش
(همان، ۱۳۷۲: ۱۲۹)	
درینجا صد ز تو استاتر هستند	هگل با مولوی هم «پنچر» هستند
(همان، ۱۳۷۲: ۱۲۹)	
نگفتم اینقدر «فرمان» نکن شل	به من خندیدی و گفתי برو جل
(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۰)	
بیا دکتر خبر کردن چه حاصل	به «یاتاقان» نظر کردن چه حاصل
(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۰)	
«موتور خاموش» و در چشمت نگاهی	«اطاقت» هم نمی‌ارزد به شاهی
(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۰)	
تویی با صد هزاران «چرخ پنچر»	وسط‌های بیابان‌های محشر
(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۱)	

تعبیر مناسب با فناوری: سازگاری قطعات ماشین با هم در بهره‌وری از آن اهمیت ویژه‌ای دارد. برای درست کار کردن ماشین باید روابط خاصی بین قطعات برقرار باشد. این مفاهیم به زبان نیز سرایت کرده ترکیبات خاصی را به وجود آورده است. ترکیباتی چون «جا انداختن»، «ریپ زدن» که در کار با ماشین روی می‌دهد، برای انسان به کار رفته است:

قرن «جا انداخت» در رؤیای ما	ماه می‌دیدیم ما در آب چاه
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۳۹)	
چرا اول به فکر ره نبودی	چرا از «ریپ» دل آگه نبودی
(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۰)	

زمانبندی در بهره‌وری از ماشین بسیار مهم است؛ زیرا ماشین در مدت زمانی خاص با انرژی که مصرف می‌کند، توانایی انجام کارها را دارد:

باغ‌ها را نرده‌بانی کرده‌اند دیدنی‌ها را «زمانی» کرده‌اند

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۴۴)

اصطلاحات علمی: علوم و اصطلاحات علمی امروز نیز در شعر احمد عزیزی جای دارند. وی در گلایه‌هایی که از روزگار و مردم و گرفتاری‌های آنان دارد، به برخی از آنها اشاره می‌کند و از ادعای مقابله مادیات با معنویات سخن می‌راند:

جانینانی از نژاد شهر رم با کلاهک‌هایی از جنس «اتم»

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۳۹۶)

«مایه کوبی» می‌شود انسان به نور «قرص»‌هایی هست بر ضد غرور

(همان، ۱۳۶۹: ۲۵۵)

خط سرخی زیر کویچ سارها «ریلی» از دروازه «رادار»‌ها

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۳)

اقتصاد: زندگی ماشینی امروز با واژگان اقتصادی امروزمین همراه است. اساس اقتصاد امروز بهره‌گیری بهینه از ابزار با حداقل هزینه است. این تفکر در زندگی انسان نیز جاری شده و مفهوم زندگی بشر را به سوی بهره‌گیری و سودجویی سوق داده است و از حقیقت اصلی زندگی که کمال جویی است، باز داشته است:

«چک» تو «بی محل» ما را کشانده دوسیلی دیگرم عمرم نمانده

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۲)

جدایی «یر به یر» شد آشنایی چرا نامرد دیگرم بی وفایی

(همان، ۱۳۷۲: ۲۳۵)

رسید این «قبض» جان تو به نیمه توان داری پپردازی «جریمه»

(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۰)

بوی آزارنده‌ی «بازار بورس» بوی بنزین در مسیر بورس

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۳)

بوی عصر برق و بوی عهد بوق بوی «چک» در سیلی سرد «حقوق»

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۴)

شهر «رهن» آب و شهر «پول پیش» شهر قتل هوش در پای حشیش

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۷)

نهر راه سبزه را گم کرده است «نرخ» زیبایی «تورم» کرده است

(همان، ۱۳۶۹: ۲۰۹)

دختران «قیمت مقطوع» تن دختران برده شهر بدن

(همان، ۱۳۶۹: ۱۴۷)

نام تجارتي کالا: در زندگي مصرفي امروزي نام جنس وارداتي يا کارخانه توليد کننده آن نيز بر زبانها افتاده است:

بوی خنجر در سلام سیک ها بوی «جین» در مرتع بوتیک ها

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۱۹۴)

شهر باران مگس از کوه قاف شهر وزوز در فراق «پیف پاف»

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۵)

بوی سس بوی عفونت بوی لاک بوی عطر تند «کاپیتان بلاک»

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۳)

فناوری و واژه سازی

نیازهای جامعه و عوامل مختلف فرهنگی-اجتماعی و روانی موجب خلق واژگان و تعبیر تازه می‌گردد. این امر سابقه طولانی در ایران دارد. بیش از همه ضرورت آفرینش لغات علمی بوده است. «مشهور است که نخستین واضعان لغات علمی فارسی ابوریحان بیرونی و ابن سینا بوده‌اند... پیش از آنها ابوبکر ربیع بن احمد البخاری قدیم‌ترین متن پزشکی فارسی به نام هدایة المتعلمین فی الطب را نگاشته است» (کافی، ۱۳۶۵: ۲۱۹). از بررسی معادل‌های برگزیده می‌توان شیوه رایج در آن زمان را مبتنی بر اصول زیر دانست:

۱- استفاده از واژگان متداول و تغییر معنی آنها و دادن بار معنایی نو به آنها؛

۲- ترکیب و اشتقاق؛

۳- ترجمه تحت اللفظ؛

۴- برگزیدن معادل فارسی برای واژه عربی (کافی، ۱۳۶۵: ۲۲۰).

به این ترتیب اهمّ روش‌های گوناگون واژه سازی در زبان فارسی به صورت زیر است:

ترکیب و پیوند: مهم‌ترین روش واژه سازی در زبان فارسی و زبان‌های مشابه که پیوندی محسوب می‌گردند، استفاده از وندها و ترکیب است. این روش چنانچه با ساخت دستوری زبان هماهنگ باشد، یکی از قدیمی‌ترین و کارآمدترین روش واژه سازی است. واژه سازی شاعران در شعرشان نمود می‌یابد. «شعر هنریست کلامی که منحصر به خیال و وزن نیست بلکه نیازمند منطقی است که بخش غالب آن را زبان و ساختارهای خاص آن (ویژگی‌های فرا زبانی) تشکیل می‌دهد و شاعران برای رسیدن به این فرا زبان و کشف چنین مکاشفه‌ای به کمک واژه‌ها باید به واسطه امکانات زبان از ترکیب عناصر، ساختارهای تازه بسازند و هنجارهای طبیعی کلام را دگرگون و استعدادهای پنهان آن را کشف کنند و آنها را در هیأت ترکیب‌های لغوی بازآفرینی کنند و به گنجینه قاموسی زبان بیفزایند و از این طریق با دنیای پیرامون خود ارتباط برقرار نمایند» (آقاحسینی و زارع، ۱۳۹۰: ۳۱۶). استفاده از ترکیب‌ها در زبان فارسی پیشینه‌ای دراز دامن

دارد که احمد عزیزی نیز آنها را از ترکیب های موجود در زبان امروز برگرفته است:

«مایه کویی» می شود انسان به نور قرص هایی هست بر ضد غرور

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۵۵)

شهر رهن آب و شهر «پول پیش» شهر قتل هوش در پای حشیش

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۷)

«پستیچی» تا کوچه افسردگان نامه می برد از دیار مردگان

(همان، ۱۳۶۹: ۱۱۶)

تغییر معنا: یکی دیگر از روش های مهم آفریدن لغات تازه، تغییر معنای واژگان موجود است که با شرایطی خاص امکانپذیر می گردد. لئونارد بلومفیلد نوآوری هایی را که به تغییر معنایی واژگان بینجامد و نه به تغییر نقش دستوری یک صورت زبانی، «تغییر معنایی» نامیده است (بلومفیلد، ۱۳۷۹: ۵۰۰). تغییر معنایی فرآیندی است که در آن واژه معنای قبلی خود را از دست می دهد (اگرادی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱ / ۳۴۳ تا ۳۴۵). می توان نمونه های تغییر معنایی را در ترکیبات مندرج در اشعار زیر یافت:

قرن دیگر قرن «نان خشکه» نیست قرن تعویض دلار و بشکه نیست

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۵۳)

چک تو «بی محل» ما را کشانده دو سیلی دیگرم عمرم نمانده

(همان، ۱۳۷۲: ۶۲)

دختران «قیمت مقطوع» تن دختران بَرده شهر بدن

(همان، ۱۳۶۹: ۱۴۷)

چنان محو توام «میخ» صفات که «قفلیم» بر لبان تو به ذات

(همان، ۱۳۷۲: ۶۲)

قانون تغییر معنای یک واژه درباره پدید آمدن واژگان جدید مصداق کامل می یابد. در هنگام ساختن واژه نو، معنایی تازه بر واژه تحمیل می شود و از معنای قبلی خود خارج می گردد و در نزد کاربران خاص با معنای جدید به کار می رود. زبانشناسان صورت های تغییر معنا را به صورت زیر مطرح کرده اند:

۱- بسط معنایی (توسع معنایی)؛ ۲- تحدید معنایی؛

۱- بسط (توسع) معنایی: فرآیندی است که به موجب آن معنای یک واژه کلی تر یا دایره شمول آن فراگیرتر از معنای گذشته آن می شود. در این روش در زبان امروز، گویندگان واژگان را از حوزه های آشنا می گیرند. نخستین و مهمترین مأخذ آنان حوزه های مشابه با موضوع جدید است. هر گوینده یا مترجمی می کوشد تا آن واژه را در ارتباط با سایر واژگان مشابه دقیق تر شرح کند. آن واژگان با واژگان و مفاهیم دیگر پیوند می خورد و از صورت تک واژه ای خارج می شد. از این طریق واژه در یک طیف معنایی وسیع، معنایی گسترده می یافت و بسط داده می شد. شعر زیر نمونه ای از

بسط معنایی است:

قرن دیگر قرن «نان خشکه» نیست قرن تعویض دلار و بشکه نیست

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۵۳)

صفت مرکب نان خشکه برای قرن، توصیف روزگاری با معاملات اقتصادی ابتدایی و ساده و پایایی است و رفتار اقتصادی یک دوره زمانی خاص را نشان می‌دهد. یادآور دوران کودکی شاعر هم هست که در قبال اندکی نان خشکه ما به ازای آن دریافت می‌گردید و دو طرف معامله به اندک کسب خود خشنود بودند.

۲- **تحدید معنایی:** فرآیندی است که به موجب آن معنای یک واژه جزئی‌تر یا شمول معنایی آن محدودتر می‌شود (اگرادی و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۴۳/۱ تا ۳۴۵). در شعر زیر نمونه ای از آن مشاهده می‌گردد:

ایستگاه شرک، مسجد می‌شود دین انسان «خط واحد» می‌شود

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۵۸)

که در شاهد فوق خط واحد در حد نام یک شرکت اتوبوسرانی تنزل معنی داده است.

شهر رهن آب و شهر «پول پیش» شهر قتل هوش در پای حشیش

(همان، ۱۳۶۹: ۱۹۷)

در شعر فوق ترکیب پول پیش معادل رهن خانه هنگام اجاره است.

اقبال و رویکرد کاربران عاملی است که روند تغییر معنایی را امکان پذیر می‌سازد. هر سه مورد فوق یعنی پیوند، تغییر معنا و قرارداد، در زبان اتفاق افتاده است، تا زبان امروز شکل گیرد. عزیزی نیز به مثابه آینه بازتاب دهنده زبان آن را در شعر خود به کارداشته است.

تأثیر فناوری بر زبان امروز

فناوری بر زبان امروز از دو جنبه تأثیر گذاشته است: الف) تأثیر ساختاری؛ ب) تأثیر معرفتی و روانی؛

الف) تأثیر ساختاری فناوری: در مقایسه با دستگاه نحوی زبان، دستگاه واژگان بیشتر دستخوش تغییر می‌گردد. زیرا «واژگان زبان آینه فرهنگ (Culture) مردمی است که به آن تکلم می‌کنند... از آنجا که عناصر فرهنگی (مادی و معنوی) پیوسته در تغییرند، طبیعی است که واژه‌های زبان نیز که در حقیقت نام آن عناصر فرهنگی هستند، تغییر می‌کند. چنانچه تحوّل در ساختمان و نحوه کارکرد پدیده‌های مادی جامعه به وجود آید، دیر یا زود در ساختمان و کارکرد پدیده‌های غیر مادی نیز مؤثر می‌افتد و آنها را دستخوش تغییر می‌کند و این هر دو نوع تغییر در واژگان آن جامعه منعکس می‌گردد بدین طریق که واژه‌ای خلق می‌شود، می‌میرد و تغییر می‌کند» (باطنی، ۱۳۶۳: ۷۶). لذا ما در این مقال به واژگان و عبارت‌ها می‌پردازیم و تحولات جمله و ساختار نحوی را به مجالی دیگر وا می‌گذاریم.

شکستن واژگان: سرعت و شتاب که دستاورد فناوری امروز است زبان و جملات را نیز متأثر کرده و گویندگان با شکستن واژگان و حذف بسیاری از افعال شتاب و ناشکیبایی خود را نشان می‌دهند و واژگان مستعمل را شکسته تلفظ می‌کنند. البته آن را نمی‌توان واژه جدید به حساب آورد و بیشتر سبک زبانی محسوب می‌گردد ولی این سبک امروزه نزد

گروهی از مردم کوچه و بازار معمولتر از گذشته شده است که تأثیر غیر مستقیم شتابندگی دوران ماست. سمیعی شکستن واژگان را منحصر به زبان محاوره نمی‌داند و در زبان رسمی نیز روی داده است (سمیعی، ۱۳۸۶: ۵۵). احمد عزیزی این گونه از زبان شکسته استفاده کرده است:

پن‌دار این کواکب را ولی نیست مکن «اشتب» فلک را «اشکلی» نیست

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۰)

اشتب مخفف اشتباه و اشکل تخیف یافته اشکال است. این سبک سخن گفتن در گذشته تنها نزد طبقات خاصی از مردم رواج داشته است. ولی جوانان نیز به تازگی به آن توجه نشان داده‌اند.

تسریع در ساخت واژگان جدید: هیچ زبانی نمی‌تواند ادعا کند که از ورود واژگان بیگانه جلوگیری کرده است. در ایران نیز از سال‌های دور واژگان بیگانه گاه با شتاب و گاه آهسته وارد شده است. تاریخچه ورود واژگان علمی را می‌توان در آثار دوره مشروطیت و شاعرانی که با تمدن و فرهنگ اروپا و تکنولوژی جدید آشنا گشته‌اند، مشاهده کرد. بهار در قصیده معروف دماوندیه از تعبیر «ولکان» استفاده کرده است و ایرج میرزا و نسیم شمال و... از واژگان اروپایی برای مقاصد خود بهره گرفته‌اند:

چونان که به شارسان پمپی «ولکان» اجل معلق افکند

(بهار، ۱۳۸۰: ج ۳۵۴/۱)

به تازگی سخن از «تلگراف» و «بی سیم» است بلی ز قوه بی سیم وحشت و بیم است

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۲۴۷)

این همه نقش که بر صحنه گیتی پیداست «سینمایی» است که از دیده اختر گذرد

(ایرج میرزا، ۱۳۸۶: ۸۳)

سیل ورود واژگان جدید فرهیختگان را وا می‌دارد که چاره اندیشی کنند. فناوری و فرهنگ نام‌های همراه آن می‌تواند به عنوان عامل تحوّل زای جامعه و عادت‌ها تلقی گردد. اگر فناوری در سرزمینی بومی شده باشد، صاحبان آن دانش برای ابداعات خود نامی تازه بر می‌گزینند؛ ولی وقتی دانش و فن با نام خود وارد سرزمینی دیگر گردد و باصطلاح وارداتی باشد، در آن صورت مردم آن سرزمین برای حفظ زبان خود با واژگان وارداتی دوگونه برخورد می‌کنند. ۱- برابریابی و ترجمه؛ ۲- ساخت ترکیبات نو با استعاره‌ها و کنایات جدید مرتبط با دانش؛

۱- سیل ورود نام‌ها و اصطلاحات علمی بیگانه می‌تواند زبان مردم را تحت تأثیر قرار دهد؛ ولی مشکل ورود این واژگان را می‌توان با برابرگزینی مرتفع کرد. پویایی زبان گویشگران را وامی‌دارد تا با تحولات جدید فکری و عملی منطبق گردند و علی‌رغم شتاب ورود واژگان علمی، واژه‌ها و تعبیر مناسب برای رفع نیازهای روزمره بسازند و یا از میان واژگان و تعبیرات موجود با تغییر مفهوم، واژه یا تعبیری را برگزینند. باور برخی از متخصصان زبان آن است که در دهکده جهانی امروز، واژگان علمی زبان مشترک جهانی است و برای این دسته واژگان بهتر است معادل یابی صورت نپذیرد. نگارنده این مسأله را نمی‌پذیرد؛ ولی پاسخ به این مهم را به مجال دیگری وا می‌گذارد.

۲-مورد دوم که از اهمیت خاصی برخوردار است و موضوع این مقاله نیز هست، ساختن کنایات و تعبیر متناسب با علوم و فنون است که در سال‌های اخیر شتاب فراوان یافته است. تعبیری چون: جا انداختن، مثل ساعت کار کردن، پنچر شدن، استارت زدن، آب و روغن قاطی کردن، و... که در مورد انسان به کار می‌رود. زیرساخت این تعبیر تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز است. انسان به مثابه ماشینی انگاشته شده که رفتاری ماشین گونه از او سر می‌زند. وجود برخی واژگان با معنای استعاری تازه مانند میخ شدن یا قفل شدن به معنی گرفتار شدن در شعر عزیزی از این گونه است و نیز تعبیر کنایی خاموشی که ایام جنگ و قطع برق و خاموشی‌های شبانه را به یاد می‌آورد. بسامد این گونه واژگان در زبان امروز فراوان تر است و نشان از رویکرد بیشتر به این سبک واژه سازی دارد.

چنان محو توام «میخ» صفات که «قفلم» بر لبان تو به ذاتت

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۲)

بیا امشب که «خاموشی» است ای عشق قرار ما فراموشی است ای عشق

(همان، ۱۳۷۲: ۱۴۱)

معنای کنایی از برخی ترکیبات مستفاد می‌گردد:

هنوز از این عوارض گیج و منگم مکن همشهری خوش ذوق «رنگم»

(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۸)

از بررسی ابیات فوق مشاهده می‌گردد، واژگان و ترکیبات خاصی که در موضوع های متنوع ذکر شده است، چند ویژگی مشخص دارند. برخی واژگانی هستند که ما به‌ازای آنها در جهان مادی وجود دارد؛ ولی در معنی جدید قبلاً به کار نرفته بود. مانند قفل کسی شدن، میخ کسی بودن؛ کسی را رنگ کردن؛ کاربرد این ترکیبات در معنی متعجب شدن و گرفتار بودن و فریب دادن قبلاً وجود نداشته است.

دسته دوم واژگان و تعبیری که جدید است و در متون و کلام گذشتگان بی سابقه است. مانند بی شیشه پيله، آس و پاس، در معنای سادگی و فقیر که پیشینه نداشته است:

مباش ای دوست اهل «شیشه پيله» کلید فضل کم کن این کلیله

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۱۳۵)

دسته سوم ترکیبات اضافی و استعارات و کنایاتی است که امروزه بسامد فراوانی یافته است و زیرساخت آن شباهت انسان به ماشین، تلفن و... است که نظیر آن وجود نداشته است. البته کاربرد ترکیباتی که رابطه انسان با ابزار را بیان می‌کرد و بر اساس نوعی تشبیه یا استعاره ساخته می‌شد، بی سابقه نیست. همانطور که در گذشته برای مزاحمت، تعبیر «چوب لای چرخ گذاشتن» که یادآور تکنولوژی عصر چرخ و گاری است، ساخته شده است. یا از اصطلاحات مربوط به زندگی روستایی و ابزار کشاورزی و سوارکاری استفاده می‌شد. به فقیر خوشه چین و به فرد ناتوان «خر در گل مانده» و نظایر آن اطلاق می‌شد. عزیزی در کنار ترکیبات متأثر از تکنولوژی جدید که قبلاً ذکر کرده‌ایم از تعبیرات کهنه نیز استفاده کرده است:

به مولا «میخ بر نعل» تو هستم نمک گیر لب لعل تو هستم

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۱۴۰)

همچنانکه متذکر گشته‌ایم برجسته‌ترین نوع تغییر معنایی ناشی از استعاره است که یکی از صنایع ادبی مبتنی بر ادراک شباهت میان پدیده‌های متفاوت به شمار می‌رود. تغییر استعاری معمولاً به این صورت است که واژه با معنای ملموس، مفهومی انتزاعی به خود بگیرد (اگرادی و همکاران، ۱۳۸۰: ج ۳۴۳/۱ تا ۳۴۵). بلومفیلد نیز در مفهوم تغییر معنایی همین عقیده را دارد و روند تغییر معنایی را در تخصیص معنایی، توسع معنایی، معنای عام، استعاره (مجاز مرسل، مجاز جزء به کل، مبالغه)، تخفیف، تنزیل معنایی، ترفیع معنایی، طبقه بندی می‌کند (بلومفیلد، ۱۳۷۹: ۵۰۲ و ۵۰۳). مانند ترکیبات میخ و قفل شدن در شعر زیر:

چنان محو توام «میخ» صفات که «قفلم» بر لبان تو به ذاتت

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۲)

Metaphor یا استعاره در لغت به معنی عاریت گرفتن است. ارسطو نخستین بار به معرفی این اصطلاح پرداخت از نظر او: «استعاره انتقال دادن اسمی بیگانه است» (واینریش، ۱۳۸۶: ۲۹۱؛ هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۹). شفیع کدکنی ضمن بیان تاریخچه‌ای از تعریف استعاره قدیم‌ترین تعریف را از آن‌جا حفظ دانسته است که گفته بود استعاره «نامیدن چیزی است به نامی جز نام اصلیش» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۰۹). عبدالقاهر جرجانی تشبیه را چون ریشه و استعاره را شاخه یا شکل اقتباس شده‌ای از آن می‌داند (جرجانی، ۱۳۶۶: ۱۷). وی استعاره را کاربرد واژه در غیر معنی اصلی آن می‌داند (جرجانی، ۱۳۶۶: ۱۷). باید توجه داشت تعبیر استعاره نزد زبان‌شناسان به معنی عاریت گرفتن است که معنی اصلی استعاره نیز همین است. «ج. ویکو معتقد بود که تقریباً کل واژگان زبان‌ها بر استعاره بنا یافته‌اند. ... ژان پل نیز تحت تأثیر ویکو استعاره را شکل اولیه ساخت واحدهای زبان می‌داند که بتدریج به واژه‌های واقعی رنگ باخته‌اند» (واینریش، ۱۳۸۶: ۲۹۵). به نظر زبان‌شناسان استعاره را می‌توان بسط یک معنا یا طیفی از معانی دانست. «کاربرد اصلی استعاره توسع زبان است و چون زبان واقعیت است استعاره گسترش واقعیت است» (هاوکس، ۱۳۷۷: ۹۵). «آنچه در استعاره رخ می‌دهد، این است که از سطح حقیقی یا لغتنامه‌ای که معمولاً کلمات در آن عمل می‌کنند، منظمأً اجتناب یا حتی عدول می‌شود. استعاره رابطه بین دو چیز را با استفاده از کلمه یا کلماتی به گونه مجازی و نه حقیقی بیان می‌کند» (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۰۷). ذهن سازنده استعاره با استفاده از بسط معنایی واژگان که در حقیقت نام‌هایی برای پدیده‌ها و اشیاء مادی و معنوی پیرامون اوست، معانی آنها را تغییر می‌دهد یا نام‌هایی تازه را برای پدیده‌ها و اشیاء بر می‌گزیند. به این ترتیب موفق می‌شود جهان اطراف خود را به گونه‌ای دیگر تصور کند و حاصل تجربیات خود را برای دیگران توصیف نماید یا به تصویر درآورد. مخاطب او با رمز گشایی مضمون استعاره می‌تواند در این فرایند آفرینندگی مشارکت جوید و سهم شود و یا آن را نپذیرد و باور نکند. به این ترتیب می‌توان گفت که تفکر آدمی بنیادی استعاری دارد. بشر می‌تواند تجربیات مادی و بسیاری از تجربیات معنوی خود را در قالب استعاره بیان کند.

تنها شعرا نیستند که استعاره می‌سازند؛ بلکه از افراد عامی گرفته تا نخبگان هریک به سبک خود استعاره می‌سازند یا از استعاره‌های رایج در زبان بهره می‌جویند. حتی کودکان نیز در سطحی از زبان از استعاره استفاده می‌کنند. کودکی که

در لباس آبی خود را چون ماهی در دریا یا کبوتر در آسمان توصیف می‌کند و یا سخن نیک و بد را شیرین و تلخ توصیف می‌کند هم استعاره به کار برده است.

در کنایه نیز همین وضع رخ می‌دهد، جز این که در کنایه شباهت بین دو رکن وجود ندارد. ترکیبی برای بیان معنی به کار گرفته می‌شود که خود مستقلاً معنی خاص دارد. ولی اهل زبان با قرارداد برای آن واژه یا عبارت معنی خارج و حتی بی ارتباط با معنی اصلی و ظاهری کلام قائل می‌شوند. در کنایه قرارداد اهل زبان و مخاطبان نقش ویژه دارد. همان روندی که امروز برای خلق زبان رمزی به کار رفته می‌رود. احمد عزیزی در این روش که از گذشتگان به میراث رسیده است، طبع آزمایشی می‌کند. هر چند واژگان و تعابیر نو به کار می‌بندد.

در مجاز نیز چنین حالتی روی می‌دهد. در بیت زیر خاموشی مجاز از قطع برق و خاموشی است که در ایام خاص به وجود می‌آید. با درک مفهوم خاموشی آن مفاهیم به ذهن متبادر می‌گردد:

بیا امشب که «خاموشی» است ای عشق قرار ما فراموشی است ای عشق

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۱۴۱)

دو صورت ساخت تعابیر نو و قرارداد آن در زبان امروز که زبان جوانان است، اتفاق افتاده است. ابتدا فرد یا گروهی به هر دلیل حتی تصادفی واژه‌ای را برای مفهومی برگزیده و با کثرت استعمال نزد گروه کاربران صورت قراردادی به خود گرفته و آن نام و واژه برای آن مفهوم تثبیت می‌گردد. با گسترش حوزه کاربران، آن واژه یا عبارت همه‌گیر می‌گردد؛ زیرا «یکی از ویژگی‌های مهم زبان قراردادی بودن آن است. به این مفهوم که بین صورت و معنا رابطه‌ای ذاتی وجود ندارد. رابطه‌ای که بین کلمات و معنی آنها وجود دارد، رابطه‌ای است اتفاقی یا قراردادی» (باطنی، ۱۳۷۱: ۱۳). قفل بودن، خاموشی، میخ شدن در اشعار مزبور معنایی فراتر از شکل ظاهری خود یافته‌اند و قراردادی زبانی نزد اهل زبان به شمار می‌روند.

ورود این گونه واژگان هر چند با مخالفت فرهیختگان روبه رو گردد، سرانجام اهل زبان چنانچه آن را با روح زبان ناساز نیابند، برخی واژه‌های برساخته را در متون رسمی و زبان رسمی به کار خواهند برد و به مثابه واژه‌ای رسمی پذیرفته می‌شود و همان سرنوشتی را خواهد یافت که واژگان قبل از آن داشته‌اند. ولی اگر با روح زبان همخوانی نداشته باشد از چرخه واژگان حذف خواهد شد. نظیر کاربرد واژه «ماهواره» برای بیان مفهوم «حقوق ماهیانه» که امروز در این معنی فراموش شده و معنی دیگری جایگزین آن شده است:

اینک آنجا اداره ای دارم مختصر «ماهواره» ای دارم

(فراهانی، ۱۳۵۵: ۴۱)

تعابیر نو با گذر زمان و پیشرفت تکنولوژی هم تغییر می‌کند. اگر در گذشته به دزدی که چیزهای حقیق می‌دزدید، «آفتابه دزد» گفته می‌شد، امروزه تعبیر «قالپاق دزد» به کار می‌رود.

ب) تأثیر معرفی - روانی فناوری: فناوری و انقلاب‌های صنعتی از سوی دیگر نیز زبان را متأثر ساخته است و موجب آفرینش زبانی دیگر هم گشته است، زبانی که با انواع ساختار شکنی‌ها متضمن نوعی اعتراض و نفی سنت‌های گذشتگان

و رویکرد به واژگانی برساخته و تغییر معنا داده هم هست که آن را زبان مخفی خوانده‌اند. ولی چه ضرورتی مردم امروز را به اتخاذ این روش‌ها برای تکلم بین خود واداشته است. می‌توان دلایل این امر را نوعی نوآوری و خلاقیت و نیز ستیزه جویی با سنت‌های کهن دانست. مجموعه عوامل روانی در شکل‌گیری این نحوهٔ مقابله مؤثر است که این مجال محل بررسی عوامل معنوی انتخاب این نوع زبان نیست.

امروزه تعبیری به کار می‌رود که ناشی از این باور است که گویا ماشین برتر از آدمی است و یا حداقل مانند اوست. رابطهٔ انسان و ماشین و نگرانی از سلطهٔ احتمالی این ابزارها که روزی برای رفاه بشر ساخته شده‌اند، دغدغهٔ اصلی بشر امروز است. بازتاب این نگرانی‌ها را بوضوح در رمان‌های تخیلی و فیلم‌های سینمایی که در آن از آیندهٔ تلخ احتمالی بشر پس از سلطهٔ ماشین و کامپیوتر بر او حکایت می‌کند، می‌توان دید. شبیه‌سازی ماشین‌ها به انسان و برتری آنها در اغلب موارد نگرانی‌ها را دامن می‌زند. بخصوص که در بسیاری موارد این مقایسه در مقام طنز و مزاح صورت می‌پذیرد و تلویحاً به اذعان به برتری ماشین بر انسان می‌انجامد. جملات و تعبیراتی مانند فلانی پنجر شد، آب و روغن قاطی کرد، مطلب در ذهنش جا افتاد، دوزارش کجه! فلانی داغ کرده! جوش آورده! و... نشانی از مقایسهٔ انسان با ماشین و تکنولوژی عصر جدید و توقع عملکرد ماشین گونه از انسان است. از انسان انتظار می‌رود که چون ماشین، سریع، دقیق، منظم، نیرومند و... باشد. در اکثر ترکیبات فوق انسانی ضعیف و درمانده با دستگاه و ماشینی خراب و ازکارافتاده مقایسه می‌شود. زیرا فرد وابسته به ماشین پس از خرابی خودرو از انجام وظیفهٔ خود ناتوان می‌گردد.

گونهٔ دیگر این تعمیم در جملات و تعبیرات عامیانه و محبت آمیزی که بر روی بعضی کامیون‌ها و ماشین‌هایی که وسیلهٔ امرار معاش و و کسب روزی گروهی از مردم هم هست، دیده می‌شود. تعبیر و ماشین نوشته‌هایی چون: «سالار»، «تنهای شب»، «رهگذر جاده»، «میراث پدر» «فرغون کوچولوی بابا»، «زرد قناری»، «کوچولو کجا می‌ری؟»، «من هم بزرگ می‌شم»، «جان به قربان تو مزدا که بنز فقرایی»، «موتوری بزَن کنار که پیکان خوراک من است»، «ناز نگات، قشنگه»، «در چاله چوله‌های عشقت شافرم شکست»، «این سالار به عشق ابوالفضل می‌تازد»، «همه از ما می‌ترسند ما از نیشان» و... (www.mazandnume.com و bata.ir و dared.mihanblog.com) نشاندهندهٔ مهر صاحب ماشین به خودروی خود است. روی باک بنزین بعضی ماشین‌ها نوشته شده «نوش جان» که آن هم نمونه‌ای دیگر از علاقهٔ راننده به ماشین خود و جاندارپنداری اوست. گویا همان رابطه‌ای که قبلاً بین سوارکار و مرکبش وجود داشت و نظایر آن را می‌توان در اشعار جاهلیت نزد اعراب مشاهده کرد، اینک بین راننده و ماشین (بی جان) نیز برقرار گشته است.

زیر ساخت ترکیباتی چون پنجر شدن فلانی، جوش آوردن او و... که مفهوم ناتوانی یا خشم و غضب از آن برداشت می‌شود، نوعی استعارهٔ مرکب است که براساس تشبیه انسانی ناتوان به ماشینی از کارافتاده ساخته شده است. معمولاً در تشبیه قاعده بر آن است که ناشناخته را با تشبیه به مشبه به شناخته شده توصیف کنند. آنچه اینجا رخ داده است انسانی با هیأتی خاص (مثلاً ناتوانی یا خشم) به اتومبیلی با ویژگی خاص (مثلاً پنجر یا جوش آورده) مانند شده است. گویا این ویژگی ماشین ملموس تر و آشنا تر بوده که مشبه به واقع شده است و انسان ناتوان و خشمگین به او مانند شده است.

در ترکیبات قدیمی که در گذشته‌های دورتر ساخته شده و فناوری آن روز را نشان می‌دهد، شیوهٔ تعبیر متفاوت است. در ترکیباتی چون «خرش در گل مانده» یا «چوب لای چرخ کسی گذاشتن»، معمولاً انسان، صاحب و مالکِ ابزاری است که

ویژگی خاصی در آن رخ داده است. انسان برتر فرض می‌شد و ابزار مددکار او محسوب می‌گشت. ولی نحوه کاربرد اصطلاحات و استعارات جدید متفاوت است. در این نوع کاربرد، انسان همردیف و مانند خودرو و تلفن یا ابزار به حساب آورده می‌شود. مانند این اشعار احمد عزیزی:

بیا فکری برای طول ره کن به «کیلومتر» عمر خود نگه کن

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۱۲۹)

چرا اول به فکر ره نبودی چرا از «ریپ» دل آگه نبودی

(همان، ۱۳۷۲: ۱۳۰)

گویا انسان ماشینی است که کیلومترشمار، پدال یا فرمان دارد این نوع استعاره‌ها بسیار جدید است. در استعاره که بر پایه تشبیه ساخته می‌شود مستعارمنه نسبت به مستعارله از تفوق بیشتری برخوردار است. تا مخاطب با کشف وجه شبه (جامع) و یافتن مشبه یا مشبیه به محذوف و درک وجه شبه (جامع) آن دو برتری مستعارمنه را دریابد. مثلاً در مقام توهین در استعاره مکنیه «علی غریب» علی به حیوانی مانند شده است که غرض ویژگی ذاتی اوست. اینجا غرض گوینده حیوان گونگی مستعارله است. در استعاره مصرحه «شیری را در کلاس دیدم»، جوان به شیر مانند شده است که ویژگی ذاتی او شجاعت و دلاوری است و غرض گوینده تفخیم مستعارله می‌باشد. اگر شیر به انسان مانند شود، دیگر جنبه حیوانی او غلبه ندارد؛ بلکه جنبه انسانی می‌یابد. مانند «شیر خندید». خندیدن یا گریستن یا اندوه ویژگی بارز انسان است و اینجا به حیوان نسبت داده شده است و استعاره مکنیه از نوع تشخیص روی داده است.

نقش باورها در ساختن استعاره‌ها و کنایات نو: اعتقادات، اندیشه‌ها و باورها در ساخت استعاره مؤثرند. نظام تفکر ما ماهیتی استعاری دارد. ما برای درک مسائل به عاریه و یا باورهای پیش ساخته متوسل می‌شویم. از تشبیه مدد می‌گیریم و با یافتن وجوه شباهت بین آن معنی و مفهوم جدید، رابطه برقرار می‌کنیم. پس از درک رابطه، معنی جدید را بهتر تحلیل می‌نماییم. گاهی نیز برخی امور را مسلم فرض کرده و امور دیگر را با تعمیم آن امر فهمیده و پذیرفته شده قبلی درک می‌کنیم. در ساخت جملات یا جملات تازه براساس زیرساخت‌های فکری پذیرفته شده و ثابت شده خود یا جامعه خود یا ناخودآگاه جمعی عمل می‌کنیم. بسیاری از عبارات و جملاتی که به کار می‌بریم، زیر ساخت فکری مشخصی دارند. وقتی گفته می‌شود: او سگ هار شده است. ای کلاغ خبرکش! چقدر خری؟ ای مارمولک مودی! این دو کبوتر عاشق را به خانه بخت می‌روند! و... زیر ساخت این جملات، مفهوم تعمیم یافته گزاره «انسان حیوان ناطق است»، می‌باشد.

وقتی اسامی و واژگان مربوط به ماشین یا تلفن همراه یا اصطلاحات شهری به زبان راه می‌یابد و گویندگان بین انسان و مظاهر تمدن جدید رابطه برقرار می‌کنند، بی تردید ترکیباتی چون دست های سیمانی، کج بودن دو زاری کسی! تخته گاز رفتن! آب و روغن قاطی کردن، چراغ خاموش آمدن، اتو کشیده بودن، آمار کسی را داشتن، بی بی سی بودن! پاستوریزه بودن، پیچاندن کسی، تایتانیک بودن، اسکلت برقی بودن، سیو آز کردن، آنتن بودن، گیر سه پیچ دادن و...

(سمائی، ۱۳۸۲: ۳۳، ۴۰، و...) هم به زبان راه می‌یابد. مشابه این تعابیر در ناسزاها نیز به کار می‌رود: در مقام ساکت شو ممکن است گفته شود: زیپ دهن تو بکش! در گاراژ رو ببند! (همان، ۵۵، و...).

مبنای فکری مثال‌های فوق سنجش رفتار و عملکرد افراد با ماشین و کاملتر فرض کردن ماشین نسبت به انسان است. این امر نشان می‌دهد که پیشرفت علوم و فنون در باورهای ذهنی بشر دگرگونی ایجاد کرده است و استعاره‌ها و کنایات سازگار با این تغییر باورها ساخته شده است تا جایی که با شبیه سازی انسان به ماشین، کارکرد ماشینی از او توقع می‌رود.

در زبان امروز معمولاً استعاره‌هایی چون «ماشین گریست یا خندید یا شاد شد» به کار نمی‌رود. عموماً در ژرف ساخت این گونه استعاره‌ها ماشین به انسان تشبیه نمی‌شود، بلکه ماشین مشبه به برای انسان واقع شده است. گویا تلویحاً این باور القا می‌گردد که ماشین و انسان یکسان هستند و غایت کمال انسان، مانند شدن به ماشین است؛ بخصوص در استعاره‌های مکنیه که تناسی تشبیه استوارتر است، این قضیه بیشتر صدق می‌کند. این نوع استعاره‌ها متأثر از فناوری امروز است و از خودباختگی انسان در برابر ماشین خبر می‌دهد. در معدود مواردی که تعابیری چون: «رنو تحصیل کرده»، «اپل عقب افتاده»، «دوو منگول» (سمائی، ۱۳۸۲: ذیل مدخل‌ها)، برای عنوان اتومبیل‌ها ارائه می‌شود و صفت‌های انسانی چون تحصیل و بیماری‌های روانی به خودرو نسبت داده می‌شود، تنها برای مزاح به کار گرفته شده (غیر از مورد اول بقیه حاوی نوعی استهزا است) و خودرو کم توان (ماتیز) با انسان ناتوان (عقب افتاده یا منگل) مقایسه می‌گردد.

پیشنهاد

اگر قبلاً عنوان تشخیص برای برخی از استعاره‌های مکنیه که با ذکر مشبه و حذف مشبه به ویژگی‌های انسانی برای آن موجود غیرانسانی اطلاق می‌شد، اینک استعاره‌های جدیدی که انسان مشبه است و مشبه به حذف شده ماشین یا مظاهر تکنولوژی است، ساخته می‌شود. اگر برای سهولت آموزش، قرار بر نامگذاری باشد، ما نام «ماشینوارگی» را برای این نوع استعاره‌های مکنیه پیشنهاد می‌کنیم.

نتیجه

در این مقاله پس از معرفی برخی واژگان تغییر معنا یافته و یا جدید که براساس واژگان مربوط به فناوری نوین ساخته شده است، به بررسی و تحلیل استعارات و کنایات مربوط به خودرو، تلفن و مظاهر زندگی شهری و... که احمد عزیزی در شعر خود بیان کرده است، پرداخته و مشخص شده که نحوه مرادف انسان با ماشین و چگونگی تعامل این دو با هم در شعر او چگونه نمود یافته است. در نهایت این نتیجه حاصل شده است که استعاره‌های جدیدی که ماشین در یک سوی تشبیه واقع شده است، نقش مهمی در آفرینش عبارات و ارائه مفاهیم نو در شعرا دارد. به‌رغم نوآوری‌های احمد عزیزی، در زمینه کاربرد زبان نو در شعر، روش وی ساخت واژگان تازه نیست؛ بلکه ادامه سنت گذشته است. در شعر او در کنار ساخت واژگان نو و بی سابقه و تغییر معنای واژگان قدیمی استفاده از آرایه‌های ادبی مانند استعاره و کنایه، نقش مهمی در آفرینش عبارات و ارائه مفاهیم دارند.

نظر به کاربرد نوعی استعاره جدید در زبان امروز، عنوان «استعاره ماشینوارگی» برای این نوع از استعاره پیشنهاد شد.

منابع

- ۱- آقاحسینی، حسین؛ زارع، زینب. (۱۳۸۹). تحلیل زیباشناختی ساختار آوایی شعر احمد عزیزی براساس کفش‌های مکاشفه، فصلنامه زبان و ادب فارسی، ش ۴۴. تابستان. ص ۱۰۱-۱۲۷.
- ۲- _____ . (۱۳۹۰). تحلیل زیباشناختی ساختار سبک شعر احمد عزیزی بر اساس کفش‌های مکاشفه، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۱۱. ص ۳۰۹-۳۲۸.
- ۳- اگرادی، ویلیام؛ دابرو و سکی، مایکل؛ آرنف، مارک. (۱۳۸۰). **در آمدی بر زبان‌شناسی معاصر**، دو جلد، ترجمه علی درزی، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- ایرج میرزا. (۱۳۸۶). **ستایشگر مادر**، (منتخب اشعار)، به کوشش آمنه احمدی و کمال اجتماعی جندقی، تهران: سخن، چاپ اول.
- ۵- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۱). **پیرامون زبان و زبان‌شناسی**، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- ۶- _____ . (۱۳۶۳). **زبان و تفکر**، تهران: کتاب زمان، چاپ سوم.
- ۷- بلومفیلد، لئونارد. (۱۳۷۹). **زبان**، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۸- بهار (ملک الشعرا)، محمدتقی. (۱۳۸۰). **دیوان**، به اهتمام چهارزاد بهار، تهران: انتشارات توس.
- ۹- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۰). **اسرارالبلاغه**، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- سمائی، مهدی. (۱۳۸۲). **فرهنگ و لغات زبان مخفی**، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
- ۱۱- سمیعی، احمد. (۱۳۸۶). **نگارش و ویرایش**، تهران: سمت، چاپ هشتم.
- ۱۲- شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). **صوخیال در شعر فارسی**، تهران: آگاه، چاپ پنجم.
- ۱۳- عزیزی، احمد. (۱۳۶۹). **کفش‌های مکاشفه**، تهران: انتشارات الهدی، چاپ دوم.
- ۱۴- _____ . (۱۳۷۲). **ترانه‌های ایلایی**، تهران: اطلاعات، چاپ اول.
- ۱۵- فراهانی، ادیب الممالک. (۱۳۵۵). **دیوان اشعار (گزیده)**، به کوشش احمد رنجبر، تهران: زوار، چاپ اول.
- ۱۶- کافی، علی. (۱۳۶۵). **گرایش‌های مختلف در واژه‌گزینی**، [زبان فارسی زبان علم. مجموعه سخنرانی‌های دومین سمینار نگارش فارسی]. ۱۱ تا ۱۴ شهریور ۱۳۶۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۷- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). **فرهنگ فارسی عامیانه**، تهران: نیلوفر.
- ۱۸- نسیم شمال، سید اشرف الدین. (۱۳۷۱). **جاودانه نسیم شمال**، به کوشش حسین نمینی، تهران: اساطیر، چاپ دوم.
- ۱۹- هاوکس، ترنر. (۱۳۷۷). **استعاره**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- ۲۰- واینریش. ه. (۱۳۸۶). **استعاره**، مجموعه مقالات زبان‌شناسی و ادبیات، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس، چاپ دوم.

۲۲- خودرو نوشته ها. زبان مخفی رانندگان. شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۸۴ www.mazandnume.com/?pnd=v3823

۲۳- ماشین نوشته ها www.darde.mihanblog.com

۲۴- نوشته های زیبای پشت کامیون ها، اتوبوس ها و... ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹ www.bata.ir

Archive of SID